

چند نکته در باب حجاب



حجاب ،به معنای عام آن، الزامات بامرد، از نرمش وطنازی منع کرده است تا کسی که در قلیش کژی و انحراف وجود دارد، طمع نکند. **دوم**، طبق آیه ۵۹سوره احزاب و آیات فراوان دیگر، حجاب و ملزومات آن یک اصل مسلم و باید انکارناپذیر در جامعه اسلامی است. خدا در این آیه به پیامبر می فرماید به زنان و دختران خودت و زنان مؤمنان بگور و پوش هایشان را ببندند، چون برای شخصیت خودشان بهتر است. یعنی ملاک شخصیت زن را حفظ حرمت حجاب دانسته است. نه برهنگی و ولنگاری اجتماعی، منظور از پوشش، صرف پوشاندن هم نیست. یک نفر شاید طوری لباس بپوشد که همه بدنش را بپوشاند اما به شکلی که جلب توجه کند، برای همین در قرآن از تبرج منع شده است. برج ها را دیده اید که از دور هم به چشم می آیند، پوششی که این ویژگی را داشته باشد و نگاه هارا جذب خود کند مدنظر اسلام نیست.

سوم، متأسفانه رنگ و بوی اسلامی در جامعه ما کم شده است. نه فقط از باب حجاب بلکه در سایر مظاهر و شئون نیز همین هستیم. بخش اصلی ماجرا به مدیریت فرهنگی جامعه برمی گردد. کاری که باید از سوی کانون های تأثیرگذار و نهادهای مرجع مانند آموزش و پرورش، دانشگاه ها، وزارت ارشاد، حوزه های علمیه، سازمان و دفتر تبلیغات اسلامی و خانواده ها به صورت هماهنگ انجام می شد اما مایبود راهبری و راهبر، در برنامه ریزی و تصمیم گیری ها، ضعیف عمل شد. تصمیم گیری قاعده مند نهادهای مرجع در حالی از الزامات فراگیر شدن حجاب در جامعه اسلامی است که حتی در سطوح عالی، سیاست گذاری واحدی در کشور نداریم. این سوء عملکرد تا آنجاست که در مواردی می بینیم فرد کم حجاب از باز خورد ها - در عمل - مشوق دریافت می کند و یک بانوی محجبه مورد بی مهری قرار می گیرد. همچنین فضای دانشگاه ها را مثال می زنم که با جهت دهی منفی سبب می شود برخی دختران جوانی که با حجاب وارد دانشگاه شده بودند، بی حجاب از آن خارج شوند. سوء عملکرد نهادهای مرجع، از گذاری خانواده ها را هم کم کرده است به طوری که این اثر گذاری حدا کثر به ۲۰ درصد رسیده است. در نتیجه حتی در برخی خانواده ها مادر محجبه و پدر متدین هم فرزندان به کم حجابی سوق پیدا کرده اند.

چهارم، بیشتر افراد کم حجاب و چه بسایی حجاب نه بی دین هستند نه با نظام زاویه دارند. بذورات می دهند، به حرم امام رضا^(ع) می آیند و برای امام حسین^(ع) اشک می ریزند، همین طور در راهپیمایی ۲۲ بهمن و در تشییع پیکر شهید سلیمانی حضور پیدا می کنند. آن ها فرزندان همین جامعه اند و فقط به درستی هدایتگری نشده اند، بنابراین هر بد حجابی ای را نباید به حساب بی دینی و لاابالی گری گذاشت. ضعف بینش، تخلیه هیجانات، تقلید، ابراز شخصیت، جلب توجه تعدادی از علت های است که برای گرایش به کم حجابی، می توان نام برد. حساب برخی افراد مثل سلبریتی های مروج بد حجابی و مخالف نظام از توده های مردم سواست. **پنجم**، برای اصلاح سبک پوشش نیازمند الگوهی های فرهنگی و نرم هستیم. برخی بر خورد های سلبی با افراد کم حجاب که نمونه اش را در دهه ۷۰ تا اوایل دهه ۷۰ داشتیم، جواب نمی دهد و وضعیت را بدتر می کند. در قرآن مجید بارها به با بد های هدایتگری از جمله دفع بدی یا خوبی و بیان نرم اشاره شده است. منطق اسلام، منطقی بسیار قدر تمند و عزتانی است و با تربیت نرم است که می توان این آموزه ها را به جامعه تسری داد. این در حالی است که همه نهادهای مرجع در این باره کوتاهی کرده اند. نمونه اش امر به معروف و نهی از منکر است که انجام نمی شود و آن قدری هم که انجام می شود ظاهر سازی است و بر اساس اصولش صورت نمی گیرد.

ششم، ابر خورد های سلبی با افراد کم حجاب شاید به صورت جزئی جواب دهد اما نباید سیاست کلی نظام باشد. بنده با شکل اجرای حرکت های سلبی و منع ارائه خدمات به بانوان کم حجاب موافق نیستیم و آن را زایناتر می دانم. باید چنان مقدمه سازی شود که آن ها بداندند و خودشان تصمیم بگیرند. اینکه تا وارد اداره ای می شوند حجاب را رعایت کنند و بیرون از اداره برگردند به روال سابق خوب نیست. رعایت شئون اسلامی در ادارات نیاز به مقدماتی دارد که اگر رعایت نشود، وضعیت را بدتر می کند. **هفتم**، استفاده از ادبیات خشن، تند و طلبکارانه در قبال افراد کم حجاب که گاه در برخی خطبه های نماز جمعه گوشه و کنار کشور، شاهد آن هستیم، تقابل ایجاد می کند. نتیجه اش می شود بد و بیراه گفتن علیه فلان امام جمعه، تهمت زدن به او و حتی فراتر از آن، کینه روحانیت را به دل گرفتن. پیغمبر اکرم^(ص) هیچ وقت با افراد جامعه اسلامی خشن صحبت نکردند و رویه شان رفیق و مدارا بود. درشتی ایشان صرفاً با کفار و منافقانی بود که دشمنی شان با اسلام محرز شده بود. باز می گردیم به نکته چهارم، اینکه هر بد حجابی ای را نباید به حساب بی دینی و لاابالی گری گذاشت و این هافرزندان همین جامعه و خود ما هستند.



گفت و گوی تفصیلی شهرآرا با دبیرکل جبهه فرهنگی حجاب و عفاف کشور به مناسبت روز عفاف و حجاب

اقدامات سلبی در قبال بدحجاب‌ها؛ آری یا نه؟



فرهنگی اش با ساده لوحی برخورد کند و خط قرمزهای هویت اسلامی اش را مخدوش کند. ارجاع می دهم به صحبت های رهبر معظم انقلاب که فرمودند اگر چیزی گناه به حساب آمد حاکمیت اسلامی مجاز نیست این گناه را در سطح علنی تحمل کند. مثل شراب خوری که صفر تا صد تولید و مصرف آن به شکل علنی، خط قرمز رفتاری نظام است. پوشش اسلامی هم همین است. آیات و فقه باید هایی صریح در باره حجاب و عفاف دارند، بنابراین منع ورود به اماکن عمومی و ارائه خدمت به افراد بد پوشش کاملاً موجه است. به همان علت که در شیوع کرونا به افراد فاقد ماسک خدمتی ارائه نمی شد و رفتار آن ها مضر برای جامعه بیان می شد، ویروس بدپوششی و آرایش و جلوه گری هم خطرات کمتری برای جامعه ندارد، از هم هنگامی که می دانیم بخش مهمی از طاق ها و کاهش امنیت اخلاقی در جامعه، ناشی از رفتارهای یاد شده است. دولت وظیفه دارد کارکنان خودش را مقید به استانداردهای پوشش اسلامی کند. وقتی این کارکنان دارند از نظام اسلامی حقوق می گیرند، حق ندارند به مقررات فقه اسلام بی توجه باشند. حجاب قانون کشور است و کسی که مراعات نمی کند طبیعی است که منع خدمات شود.

● پیش نیازی که گفتید چه بود؟
اشباع فرهنگی و اطلاع رسانی کامل. همان طور که در اوج کرونا، شبانه روز رسانه ها مشغول فرهنگ سازی برای مقید کردن مردم به شیوه نامه بودند الان هم که نظام تصمیم گرفته است قانون خدا را در عرصه عفاف و حجاب رعایت نمی کند، جامعه را از سقوط در دره های نیرستی نجات بدهد، باید اطلاع رسانی کامل صورت بگیرد و محصولات فرهنگی با موضوع حیا، عفت، غیرت، پوشش عفیفانه و مباحث مرتبط تهیه شود. این ها پیش شرط های لازم برای حرکت های سلبی در باره افراد کم حجاب است.

● صحبتی مانده است؟
عرض پایانی من این است که داستان اندلس در حال تکرار است. در اندلس، ما به نزدیکی کوه های آلپ در قلب اروپا رسیدیم. اسلام را اگشتیم، تعداد زیادی مسجد بنا کردیم و تمدن سازی و جامعه سازی کردیم. در مقابل، دشمنان اسلام هم با زستانی منطقه اسلامی از راه ترویج فسق راطراحی کردند. وقتی ایمان جامعه اسلامی نوپدید له شد، در یورش شبانه، اسلام را از اروپا حذف کردند. این برنامه دشمن در حال شبیه سازی و تکرار در جمهوری اسلامی است. کاش مسئولان و دل سوزان به خود بیایند. قرارگاه حیا و حجاب را در کشور فعال کنند و قدرت ایمانی کشور را بسپع کنند تا تکرار تجربه اندلس جلوگیری شود.



که موقعیتش فراهم شود، مخالفتشان را به رخ می کشند.
● رعایت عطفوت نسبت به برخی و برخورد شدید با گروه دیگر؛ نقطه مشترکی میان این سیاست ها در قبال افراد کم حجاب وجود دارد؟
بله، اینکه قاطعیت نظام در مراعات قانون به هیچ عنوان نباید سست و اهتت نظام شکسته شود، نباید افراد باهر انگیزه ای که به کم حجابی میادرت می کنند، تصور کنند که نظام از خط قرمزهای خود عدول کرده است. اگر این اتفاق بیفتد، درمان مشکلات در این عرصه و سایر زمینه ها به شدت مشکل می شود. تقید نظام به اصولش باید برجسته سازی شود و کسی فکر نکند با سیستمی بی دروپیکر، ولنگار و سست عنصر مواجهه است. دقیقاً به همان علتی که پلیس نباید برای اجرای قوانین ترافیکی سستی نشان بدهد. نشان دادن اقتدار و صلابت هم به معنای تحقیر، توهین، برخورد بی ادبانه و خشونت نیست.

● تا چه اندازه به برگزاری کرسی های آزاداندیشی درباره شائبه هایی مثل حجاب اختیاری موافقتد و آن را برای تنویر افکار لازم می دانید؟
اگر موافق هستیم، دلیل برگزار نشدن این رویدادها را چطور ارزیابی می کنید؟

کرسی های آزاد اندیشی را یکی از برنامه های مفید و واجب می دانم، اینکه افراد بیایند، حرفشان را بزنند و کارشناسان مسلط، پاسخ های قانع کننده بدهند تا ذهن افراد از شبیهات تخلیه بشود. اینکه چرا دستگاه ها و دانشگاه ها اقدام نمی کنند جزومصیبت ها و کم کاری هاست. شورای عالی انقلاب فرهنگی، دستگاه های فرهنگی مثل وزارت فرهنگ، علوم، آموزش و پرورش، رسانه ملی و بخش فرهنگ ساز عمومی مثل حوزه، هیئات مذهبی، شهرداری ها، مساجد و... در این زمینه نقش دارند. نیازمند قرارگاهی در سطح عالی هستیم تا با همکاری همه نهاد ها و دستگاه ها، جامعه از سقوط در این دره نیستی نجات پیدا کند.
● با حرکت های سلبی صرف برای برخورد با افراد کم حجاب موافقتد؟ مثل منع ورودها، ارائه نشدن خدمات به افراد کم حجاب و.... برای تکمیل این سیاست چه حلقه هایی را ضروری می دانید؟

بنده با انجام حرکت های سلبی در این حد که خدمات داده نشود و از ورود جلوگیری شود صدررصد موافقم، البته با یک پیش شرط. دلیل موافقتم واضح است. هیچ حکومتی نسبت به علانم براندازی خودش بی تفاوت نیست و نظام اسلامی هم به همین ترتیب نباید در باره براندازان

برای حیا زدایی و تزریق بی عفتی به شدت فعال هستند و نوعی کیس امنیتی به شمار می روند دقیقاً باید همان طوری رفتار کرد که با تروریست ها برخورد می شود. همان طور که برای گروه اول و دوم خشونت جواب نمی دهد، برای گروه سوم که با گرایش های سیاسی و اقتصادی به این سمت رفته اند هم عطفوت و نهی از منکر جواب نمی دهد. به بیان دیگر این طور برخورد های ملایم با گروه سوم، سفیهانه است، همان قدر که گفت و گو با سرباز مسلح دشمن در میدان جنگ جاهلانه است.

● مسئله اقتصاد را تا چه اندازه در انتخاب پوشش مؤثر می دانید؟
اقتصاد از دو جنبه مهم است. جنبه نخست این است که می بینیم پوشش های عفیفانه در جامعه کمیاب و گران است و بخش شایان توجهی از مردم توان خرید معمولاً اهل تحصیل، فرهنگ و رسانه اند، کمتر در گردهمایی های مذهبی حضور پیدا می کنند و با وجود برخی تقید های مذهبی مثل نماز و زیارت ائمه^(ع)، پوششی غیر عفیفانه دارند. گروه سوم هم کسانی هستند که به ما موهاره و شبکه های اجتماعی بیگانه کاملاً وابسته اند و تحت تأثیر شدید آن ها قرار دارند، نه به حجاب ایزندند، نه به هیچ یک از ارزش های اخلاقی، اهل منکرات هستند و در صفحه و پروپاگنشان انواع فسق ها موج می زند. با آگاهی و عمد به ارزش های دینی پشت پا زده اند و در عمل خود را سرباز جبهه ضد دین و ضد انقلاب معرفی کرده اند.

● برای هر کدام از انواعی که نام بردید، چه برخوردی را مناسب می دانید؟

برای گروه نخست که دلشان متعلق به جبهه اسلام و انقلاب است و به دلیل نا آگاهی و ضعف دستگاه های فرهنگ ساز به سمت بد حجابی رفته اند، باید سیاست اطلاع رسانی مهر بانانه و کار فرهنگی تبیینی را در پیش گرفت. کار

به دسته دوم که در برخی مسائل متدین هستند اما به دلیل ارتباطشان با جلالان فرهنگی، مرتب ذهنشان آلوده می شود، دشوار تر است. گرایش آن ها به بد حجابی ریشه فرهنگی دارد و باید با

کار فرهنگی و سعه صدر، ریشه ها را درمان کرد. یعنی باید روی میانی فکری آن ها کار کرد و برای درمان شبیهات ویرانگری که به ذهنشان وارد شده است، تلاش کرد. در باره گروه سوم که با آرایش های تند، پوشش های زننده و مأموریت های تعریف شده در جامعه حاضر می شوند،

خود جوش مردمی مثل سلام فرمانده یا راهپیمایی ها، انتخابات و تشییع پیکر شهدا حاضر می شوند.

● به زعم شما برای گرایش به بد حجابی در جامعه چه دلایل و انواعی وجود دارد؟

ما با سه گروه اصلی مواجهیم. نخست کسانی هستند که هیچ ضدیتی با قوانین اسلامی ندارند و صرفاً به دلیل نا آگاهی، احساس گرای و تقلید از تبلیغات و سبک های جاری، از پوشش مورد تأیید اسلام و قانون فاصله گرفته اند. درست است که نوعی ولنگاری در پوشش دارند اما قلب هایشان پر از ایمان به خدا و عشق به اولیای الهی و انقلاب است. گروه دوم کسانی هستند که همچنان خود را مسلمان و شیعه امیرالمؤمنین می دانند اما به خاطر ارتباط با معاندان (که در ادامه توضیح می دهم)، تحت تأثیر بمباران فرهنگی قرار گرفته و خوداگاه یا خود اگاه با آن ها انس پیدا کرده اند. معمولاً اهل تحصیل، فرهنگ و رسانه اند، کمتر در گردهمایی های مذهبی حضور پیدا می کنند و با وجود برخی تقید های مذهبی مثل نماز و زیارت ائمه^(ع)، پوششی غیر عفیفانه دارند. گروه سوم هم کسانی هستند که به ما موهاره و شبکه های اجتماعی بیگانه کاملاً وابسته اند و تحت تأثیر شدید آن ها قرار دارند، نه به حجاب ایزندند، نه به هیچ یک از ارزش های اخلاقی، اهل منکرات هستند و در صفحه و پروپاگنشان انواع فسق ها موج می زند. با آگاهی و عمد به ارزش های دینی پشت پا زده اند و در عمل خود را سرباز جبهه ضد دین و ضد انقلاب معرفی کرده اند.

● برای هر کدام از انواعی که نام بردید، چه برخوردی را مناسب می دانید؟

برای گروه نخست که دلشان متعلق به جبهه اسلام و انقلاب است و به دلیل نا آگاهی و ضعف دستگاه های فرهنگ ساز به سمت بد حجابی رفته اند، باید سیاست اطلاع رسانی مهر بانانه و کار

فرهنگی تبیینی را در پیش گرفت. کار به دسته دوم که در برخی مسائل متدین هستند اما به دلیل ارتباطشان با جلالان فرهنگی، مرتب ذهنشان آلوده می شود، دشوار تر است. گرایش آن ها به بد حجابی ریشه فرهنگی دارد و باید با کار فرهنگی و سعه صدر، ریشه ها را درمان کرد. یعنی باید روی میانی فکری آن ها کار کرد و برای درمان شبیهات ویرانگری که به ذهنشان وارد شده است، تلاش کرد. در باره گروه سوم که با آرایش های تند، پوشش های زننده و مأموریت های تعریف شده در جامعه حاضر می شوند،

● وضعیت رعایت باید های پوشش اسلامی را در جامعه امروز چطور ارزیابی می کنید؟ برخی وضعیت را بغرنج ارزیابی می کنند. برخی دیگر می گویند شرایط کلی جامعه بد نیست و افراد کم حجاب صرفاً نمود، خیابان گردی و جلب توجه بیشتری دارند.

با تأکید روی دو نکته رعایت پوشش اسلامی در جامعه امروز نمره مطلوبی نمی گیرد. نکته اول کم کاری بسیار شدید نیروهای فرهنگ ساز داخلی در موضوع پوشش عفیفانه و تبیین ارزش حیا و غیرت است. متأسفانه در چهار دهه ای که بر انقلاب گذشته، استراتژی یک بودن این ارزش ها مورد بی مهری قرار گرفته است و به ترک فعل گسترده نیروهای دخیل در اشاعه فرهنگ اعم از حوزو ویان، رسانه ملی و سایر نهاد ها مواجهیم. نکته دوم، تمرکز دشمنان جمهوری اسلامی برای حیا زدایی و تزریق سبک پوشش غیر عفیفانه در جامعه ایران است. این کم کاری نیروهای داخلی و بیش کاری معاندان اسلام و انقلاب در خارج و داخل کشور باعث بروز واقعیت های ناخوشایند در سبک پوشش شده است. در باره این واقعیت ها، نه موافق خوش خیالی و اقیعت هست، نه موافق خوش خیالی. پوشش، هنر است و به سبک های نو می آید. از یک سو جامعه بانوان متدین، فراوانی شایان توجهی دارند. از سوی دیگر در فضای عمومی جامعه، به وفور حضور خانم هایی را داریم که سبک لباسشان را دین تأیید نمی کند.

● دسته بندی دلایل گرایش به کم حجابی شاید سخت تر از همیشه باشد. در حالی که برخی دغدغه مندان به افراد کم حجاب برچسب زاویه داشتن با دین یا نظام سیاسی را می زنند، در راهپیمایی ها، تشییع جنازه شهدا و بزرگان دینی شاهد حضور افراد کم حجاب هستیم. به نظر طور در مشهد حتما دیده اید افرادی که تا پشت ورودی حرم مطهر، پوششی نامناسب دارند. شما درباره این قبیل دیدگاه ها که هر از گاهی ابراز می شود و با باز نشر در شبکه های اجتماعی مستمسک رسانه های بیگانه می شود، چه نظری دارید؟

همه افراد کم حجاب و فاقد پوشش عفیفانه را با یک چوب نمی شودراند. هر کدام را امتنی بر نوع تحلیل های فرهنگی و میزان پایبندی شان به ارزش های اسلامی باید ارزیابی کرد. به بیان دیگر هر گروه به دلیلی به بد حجابی روی آورده اند و راهکار مخصوص خودشان را می طلبند. خلط میحث و استفاده از راهکار هر گروه برای گروه دیگر که در ادامه توضیح می دهم، نه فقط فایده ندارد بلکه می تواند نتیجه عکس داشته باشد. اگر به این نکته توجه کنیم، به خویی می توانیم رفتارهای به ظاهر متناقض را تحلیل کنیم، اینکه چرا افراد فاقد پوشش سالم در همایش های

آیین پایانی نخستین جشنواره «مطبوعات دینی» با حضور محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، آیت... سید محمد سعیدی، تولیت آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه^(ع)، احمد امیرآبادی فراهانی و جت الاسلام مجتبی ذوالنوری، نمایندگان مردم

قم در مجلس شورای اسلامی و دیگر مسئولان کشوری و استانی ظهر پنجشنبه گذشته در تالار فرهنگ و هنر استان قم برگزار شد. در این جشنواره بیش از هشتصد اثر از ۱۹۵ خبرنگار و روزنامه نگار سراسر کشور در گرایش های تیر، مصاحبه و گزارش

درخشش خبرنگار شهرآرا در جشنواره ملی «مطبوعات دینی»

خبری در دو بخش حرفه ای و موضوعی همچون ایتار و شهادت، فرهنگ عمومی، اخلاق و فرهنگ شهروندی، حجاب و عفاف، نماز و مسجد و رکن محله محوری شهری ارزبایی شد. در این جشنواره بیش از هشتصد اثر از ۱۹۵ خبرنگار و روزنامه نگار سراسر کشور در گرایش های تیر، مصاحبه و گزارش

خبرنگار سرویس جامعه روزنامه شهرآرا، برای اثر «رهایی در روز هشتم» در بردارنده رتبه اول در رسته مصاحبه و گفت و گو شد. این گزارش را می توانید با مراجعه به آرشیو ۸۵ دی ۱۳۹۹ در صفحه جامعه بخوانید.